

Original Article

Validation of We-Ness Questionnaire in Iranian Married People

Abdolmalek Afshani^{1✉}, Naser Yoosefi²

1. PhD student in counseling. University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

2. Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Received: 2024.03.04

Revised: 2024.05.17

Accepted: 2024.05.26

DOI: [10.48308/jfr.20.1.24](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.24)

Abstract: The purpose of this study is to investigate the validation and psychometric properties of the We-ness questionnaire in Iranian married people. The method is descriptive and the study is psychometric. The statistical population included all married people in Sistan and Baluchistan province, and 314 people were selected from this population by available sampling method. The tools for collecting information were We-ness questionnaires (Topcu-Uzer et al., 2021), Revised Dyadic Adjustment Scale (Busby et al., 1995) and Marital Burnout questionnaire (Pines, 1996). Confirmatory factor analysis, content validity, convergent and divergent validity were used to check the validity of the questionnaire. The results of the confirmatory factor analysis confirmed the suitability of the model and the structure of the internal relationships of the items. Cronbach's alpha coefficient and test-retest method were used to check the reliability of the questionnaire, and the results showed that our questionnaire has good internal stability and reliability in the Iranian sample, respectively (0.95, 0.68). To examine the convergent validity, Revised Dyadic Adjustment Scale was used and to examine the divergent validity, Marital Burnout Questionnaire was used which the results showed that We-ness questionnaire has good criterion validity (0.73, -0.59). Therefore, it can be concluded that We-ness questionnaire has the necessary capabilities to measure the structure of We-ness among Iranian couples and it can be used for clinical and research purposes in the field of problems and relationships of couples.

Keywords: We-ness questionnaire, Validity, Reliability, Validation

How to cite: Afshani, A., & Yoosefi, N. (2024). Validation of We-ness questionnaire in Iranian married people. *Journal of Family Research*. P. 24-39 DOI: [10.48308/jfr.20.1.24](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.24)

✉Corresponding Author Email Address. malek.afshani1374@gmail.com



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقاله پژوهشی

اعتباریابی پرسش‌نامه ما بودن در افراد متأهل ایرانی

عبدالمالک افشانی[✉]، ناصر یوسفی^۲

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

۲. استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

DOI: [10.48308/jfr.20.1.24](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.24)

هدف مطالعه حاضر بررسی اعتباریابی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه ما بودن در افراد متأهل ایرانی بود. روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع مطالعات روان‌سنجی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی افراد متأهل در استان سیستان و بلوچستان بود که از این جامعه تعداد ۳۱۴ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه ما بودن (تاپکیو یوزر و همکاران، ۲۰۲۱)، مقیاس کیفیت زناشویی تجدیدنظرشده (باسبی و همکاران، ۱۹۹۵) و پرسش‌نامه دل‌زدگی زناشویی (پاینز، ۱۹۹۶) بود. از تحلیل عاملی تأییدی، روایی محتوایی و روایی هم‌گرا و واگرا برای بررسی روایی پرسش‌نامه استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که نتایج تحلیل عاملی تأییدی برازندگی مدل و ساختار روابط درونی گویه‌ها را تأیید کرد. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ و روش بازآزمایی استفاده شد که نتایج به‌ترتیب ۰/۶۸، ۰/۹۵ نشان داد پرسش‌نامه ما بودن از ثبات درونی و پایایی مطلوبی در نمونه ایرانی برخوردار است. برای بررسی روایی هم‌گرا، از مقیاس کیفیت زناشویی تجدیدنظرشده و برای بررسی روایی واگرا از پرسش‌نامه دل‌زدگی زناشویی استفاده شده که نتایج به‌ترتیب ۰/۷۳، ۰/۵۹- نشان داد پرسش‌نامه ما بودن از روایی ملاکی مطلوبی برخوردار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پرسش‌نامه ما بودن از قابلیت‌های لازم برای سنجش سازه ما بودن در بین زوجین ایرانی برخوردار است و می‌توان از آن برای مقاصد بالینی و پژوهشی در زمینه مسائل و روابط زوجین استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: پرسش‌نامه ما بودن، روایی، پایایی، اعتباریابی.

استناد به این مقاله: افشانی، ع. و یوسفی، ن. (۱۴۰۳). اعتبارسنجی پرسش‌نامه ما بودن در افراد متأهل ایرانی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*.

doi:[10.48308/jfr.20.1.24](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.24). ۲۴-۳۹، (۱)۲۰

✉ نویسنده مسئول: malek.afshani1374@gmail.com

مقدمه

در گذشته، روان‌شناسان اجتماعی، پژوهشگران بالینی و درمانگران خانواده تمایل داشتند که به متغیرهای رابطه‌ای، از جمله عشق و علاقهٔ زوجین، به‌عنوان متغیرهای درون‌فردی نگاه کنند؛ اما اخیراً، به متغیرهایی که بیانگر وابستگی متقابل زوجین در روابط نزدیک و صمیمانه است علاقه‌مندی ویژه‌ای پیدا کرده‌اند که این موضوع بیانگر تغییر توجه از متغیرهای درون‌فردی به متغیرهای بین‌فردی را نشان می‌دهد (سینگر^۱ و همکاران، ۲۰۱۵) و از دههٔ ۱۹۹۰ درک متقابل مشترک زوجین در تحقیقات روابط مورد توجه قرار گرفته است (تاپکیو یوزر، رانردل، و دس، رید و بودنمن^۲، ۲۰۲۱).

در طول توسعهٔ یک رابطهٔ نزدیک و صمیمی، زوجین احتمالاً یک هویت مشترک ایجاد می‌کنند (رید^۳ و همکاران، ۲۰۰۶) و این تجربهٔ هویت مشترک، ممکن است به کیفیت روابط عاشقانه کمک کند و حس «ما بودن» را در زوجها تقویت کند (مایر^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). در این هویت مشترک خودپنداره، هر شریک از مرزهای فردی فراتر می‌رود و هم شریک و هم رابطه، بخشی از خودپندارهٔ فرد می‌شوند (اگنیو^۵ و همکاران، ۱۹۹۸). این هویت زوجی برای رفاه شریک زندگی بسیار مهم است؛ به‌ویژه زمانی که زوج با رویدادهای استرس‌زای زندگی مواجه می‌شوند (بدر^۶ و همکاران، ۲۰۰۷). حفظ این روابط مثبت زوجین نه‌تنها برای رفاه زوجها حتی به رفاه فرزندان، خانوادهٔ گسترده و درواقع به رفاه جامعه کمک می‌کند (هان^۷، ۲۰۲۲) و حتی ممکن است سطح ما بودن زوجین در هنگام مواجهه با یک عامل استرس‌زا، به‌دلیل فعال‌شدن مقابلهٔ دوتایی بالاتر برود (گالیدیولو^۸ و همکاران، ۲۰۲۳؛ روه‌رباخ^۹، ۲۰۲۱). هویت زوجی که در درون هریک از زوجین قرار دارد، با هویت شخصی هریک از طرفین منسجم است و به یکی اجازه می‌دهد تا با دیگری احساس نزدیکی کند (احمد^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۷). به‌طور خاص، زوجینی که ممکن است در ابتدا خود را از منظر فردی (من) تصور کرده باشند، ممکن است به یک دیدگاه وابسته (ما) تبدیل شوند که منعکس‌کنندهٔ درک رابطهٔ آن‌هاست (تاپکیو یوزر و همکاران، ۲۰۲۱). «ما»، سرمایه‌گذاری متقابل زوجها در رابطه‌شان و روی یکدیگر، به‌عنوان یک عامل قدرتمند شناخته‌شده است (گیلد‌رسلیو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۷). ما بودن یک تغییر اساسی از آگاهی فردی به آگاهی از رابطه است. این طرز فکری است که متضمن تعامل متقابل و توانایی در نظر گرفتن دیدگاه دیگری است (سینگر و اسکرت^{۱۲}، ۲۰۱۴؛ اسکرت، ۲۰۰۴).

ازدواج‌های سالم از طریق وابستگی متقابل شناختی و در نظر گرفتن دیگری از دیدگاه خودشان نمایان می‌شود. شادمانی زناشویی زمانی محقق می‌گردد که زوجین از در نظر گرفتن خود به‌عنوان دو فرد جداگانه «من»، فراتر رفته و خودشان را به‌عنوان یک ما ببینند (اگنیو^{۱۳} و همکاران، ۱۹۹۸). از طرفی نتایج پژوهش‌ها در حوزهٔ زوج و خانواده نشان داده، زوجینی که سطح بالایی از ما بودن را دارند و بیشتر از ضمیر ما در رابطه‌شان استفاده می‌کنند، از کیفیت و رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند (آلیا، سینگر و لاینکو^{۱۴}، ۲۰۱۵؛ استرانگ^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۴). زوجها می‌توانند دست می‌یابند، توانایی گذشت از خواسته‌های شخصی و عبور از منیت‌ها را دارند و آن‌ها به یک تغییر جهت از خود به سمت رابطه و به نفع رابطه دست می‌یابند. با این وجود، فرد علی‌رغم عبور از منیت‌ها و حرکت به سمت ما شدن، همچنان فردیت خود را احساس کرده و هویت فردی خود را از دست‌رفته نمی‌بیند (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین ما بودن مستلزم انجام همهٔ کارها باهم نیست. اگرچه ممکن است به نظر برسد که ما بودن نیاز به همراهی مداوم یا توافق مداوم بین زوجین دارد، اما

درواقع این‌طور نیست. بنابراین، هدف ما بودن یکنواختی نیست، بلکه هماهنگی انتخاب‌های مشترکی است که تعهد و تحقق اهداف مشترک را افزایش می‌دهد. جنبه مهم ما بودن تغییر طرز فکر است که در آن هر دو شریک به تقدم رابطه خود بر انتخاب‌های فردی و خودخواهانه اعتقاد دارند (سینگر و همکاران، ۲۰۱۵). ممکن است درک بهتر ما بودن و چگونگی افزایش آن بتواند نتایج زوج‌درمانی را تأثیرگذارتر کند. اگرچه شواهد قوی برای ارتباط بین ما بودن و کیفیت رابطه وجود دارد، تعریف ماهیت ما بودن و تعیین اینکه چگونه باید اندازه‌گیری شود، یکی از موضوعات بحث‌برانگیز است (کروویس^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۳). تعریف و اندازه‌گیری ما بودن یا ما، توسط چندین مدل و نظریه مفهوم‌سازی شده است. ترکیب ما بودن، برای اولین بار توسط بوهلمن، گاتمن و کاتز^{۱۷} (۱۹۹۲) با بهره‌گیری از نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) و تقویم خانوادگی ستیر (۱۹۶۴) به کار برده شد با این استدلال که چگونه یک زوج نحوه ملاقاتشان را بیان می‌کنند که می‌تواند موفقیت رابطه آن‌ها را پیش‌بینی کند. آن‌ها هفت بُعد را که موفقیت یک رابطه را پیش‌بینی می‌کرد، شناسایی کردند که یکی از این هفت بُعد شناسایی شده، ما بودن در مقابل جدایی بود که به این صورت تعریف شد: «تا چه اندازه زوجین خود را به‌عنوان بخشی از یک زوج در مقابل تأکید بر فردیت یا استقلال خود می‌شناسند» (تاپکیو یوزر^{۱۸} و همکاران، ۲۰۲۱).

در سال‌های اخیر، تعریف و اندازه‌گیری ما بودن زوجین توسط چندین پژوهشگر دیگر نیز با عناوینی مانند وابستگی متقابل شناختی (اگنیو و همکاران، ۱۹۹۸)، ما بودن (کروویس و همکاران، ۲۰۲۲)، تجربه مایی (ویدز^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۳)، داستان ما زوجین (سینگر و اسکرت، ۲۰۱۴)، هویت زوج (آسیتلی، راجرز و کنی^{۲۰}، ۱۹۹۹)، ارتباط متقابل (سینگر و همکاران، ۲۰۱۵) و وابستگی متقابل در تجربه استرس (بودنمن^{۲۱}، ۲۰۰۵؛ بودنمن، رندال و فالکونیر^{۲۲}، ۲۰۱۶) یا ما به‌عنوان یک فرایند اضطراری (رید و احمد، ۲۰۱۵؛ رید و همکاران، ۲۰۰۶) مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است. اما، هریک از این تحقیقات بر سنجش جنبه خاصی از ما بودن یا وابستگی متقابل زوج‌ها تمرکز کرده‌اند؛ مانند احساس اتحاد زوجین در شناخت‌ها یا احساسات یا رفتارهایشان (تاپکیو یوزر و همکاران، ۲۰۲۱). شناخت‌های مرتبط با ما بودن منعکس‌کننده باورهایی است که زوجین در رابطه با شریک زندگی و روابط خود دارند؛ به‌عنوان مثال، فکر می‌کنند که یک معنای مشابهی از زندگی با شریک زندگی خود به اشتراک می‌گذارند و آینده روابط خود را باهم درک می‌کنند (اگنیو و همکاران، ۱۹۹۸؛ بوهلمن، گاتمن و کاتز، ۱۹۹۲). عواطف مرتبط با ما بودن اغلب منعکس‌کننده فرایندهای عاطفی است که زوجین در رابطه با شریک زندگی و روابط خود تجربه می‌کنند (مانند اتحاد و همبستگی، احساس هماهنگی در یک رابطه، از دست دادن شریک زندگی، و از نظر عاطفی در دسترس بودن و پاسخ‌گو بودن به شریک (آسیتلی، راجرز و کنی، ۱۹۹۹؛ رید و همکاران، ۲۰۰۶). رفتارهای مرتبط با ما منعکس‌کننده اعمالی است (مانند صحبت کردن به‌عنوان یک واحد، تصمیم‌گیری باهم، مراقبت از شریک زندگی، و به اشتراک گذاشتن زمان با کیفیت به‌عنوان یک زوج) که نشان‌دهنده ما بودن شناختی و عاطفی در زندگی روزمره شرکاست (رید و همکاران، ۲۰۰۶؛ سینگر و همکاران، ۲۰۱۵).

تاپکیو یوزر و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند که براساس ادبیات پژوهشی ارزیابی هر سه جنبه ما - شناختی، عاطفی و رفتاری - برای درک بهتر همه جنبه‌های ما بودن ضروری است. با وجود ادبیات قوی در مورد ما بودن و ارتباط مثبت آن با رضایت از رابطه (آسیتلی، راجرز و کنی، ۱۹۹۹)، قبل از این ابزار، هیچ ابزار جامعی از

خودگزارشی وجود ندارد که هر سه ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری ما بودن را ارزیابی کند. برخی از ابزارهای موجود فقط جنبه‌های شناختی ما بودن را می‌سنجند (اگنیو و همکاران، ۱۹۹۸؛ بوهلمن و همکاران، ۱۹۹۲)، برخی فقط جنبه‌های عاطفی (آسیتلی، راجرز و کنی، ۱۹۹۹؛ کرری^{۳۳} و همکاران، ۲۰۰۰)، و برخی دیگر فقط جنبه‌های رفتاری (بودنمن، ۲۰۰۸؛ رید و همکاران، ۲۰۰۶؛ سینگر و همکاران، ۲۰۱۵). یکی از ابزارهایی که اخیراً ساخته شده است و هر سه بعد شناختی و عاطفی و رفتاری را بررسی می‌کند، مقیاس ما بودن تاپکیو یوزر و همکاران (۲۰۲۱) است.

مقیاس ما بودن تاپکیو یوزر و همکاران (۲۰۲۱) یک مقیاس خودگزارشی ۱۷سؤالی است که ادراک زوجین را از جنبه‌های شناختی و عاطفی و رفتاری بررسی می‌کند. ما بودن به‌عنوان سازه‌ای مهم شناخته می‌شود که نقشی مهم در روابط نزدیک و صمیمی دارد. بر این اساس، ضرورت مطالعه و بررسی در این حیطه در داخل کشور اهمیت بسیار زیادی دارد. از طرفی این مقیاس می‌تواند نیاز پژوهشگران و درمانگران حوزه خانواده و زوجین را برای ارزیابی و سنجش ما بودن برطرف نماید. علاوه بر این، پرسش‌نامه ما بودن ابزاری عملی برای روان‌شناسان و مشاوران خانواده فراهم می‌کند تا از آن در اهداف پژوهشی و درمانی استفاده کنند. با توجه به مطالب فوق، در مورد ما بودن و ارتباط قوی آن با رضایت از رابطه و کیفیت زناشویی (آسیتلی، راجرز و کنی، ۱۹۹۹؛ استرانگ و همکاران، ۲۰۱۴)، بسیار مهم است که پژوهشگران و روان‌شناسان روابط و زوج که با افراد دارای نگرانی‌های روابط کار می‌کنند، یک ابزار خودگزارشی داشته باشند که تمام جنبه‌های مربوط به ما بودن را بررسی کند. همان‌طور که بیان شد، یکی از ابزارهایی که تمام جنبه‌های ما بودن را مورد بررسی قرار می‌دهد، مقیاس ما بودن تاپکیو یوزر و همکاران (۲۰۲۱) است. از طرفی تا آنجا که محققان مطلع هستند، اعتباریابی این پرسش‌نامه در کشور ایران انجام نشده است و پژوهش حاضر می‌کوشد تا ابزار پایایی را در رابطه با ما بودن ارائه کند. بنابراین هدف پژوهش حاضر معرفی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه است و قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که آیا پرسش‌نامه ما بودن از روایی و پایایی مناسب برای استفاده در کشور ایران برخوردار است؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع مطالعات روان‌سنجی است.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی افراد متأهل در استان سیستان و بلوچستان بود که از این جامعه تعداد ۳۱۴ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند که از این تعداد ۱۶۴ نفر مرد و ۱۵۰ نفر زن می‌باشد. در مورد حجم نمونه لازم، برای تحلیل عاملی و مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد و مسئله مهم در تحلیل عاملی، تعیین اندازه کمیته نمونه است. اندازه کمیته نمونه در تحلیل عاملی ۲۰۰ است و همچنین تعداد ۱۰ یا ۲۰ نفر برای هر گویه در تحلیل عاملی کفایت می‌کند (کلاین^{۲۴}، ۲۰۱۶). با توجه به تعداد آیت‌های پرسش‌نامه (۱۷ گویه)، حجم نمونه به تعداد ۳۱۴ نفر برای این مطالعه کفایت می‌کند و حتی به‌منظور ارتقای قدرت تعمیم‌پذیری نتایج نمونه، بیشتر از اندازه کمیته موردنیاز

در نظر گرفته شد. در پژوهش حاضر، از روش نمونه‌گیری داوطلبانه (در دسترس) استفاده شد. شرط ورود به پژوهش، متأهل بودن، رضایت آگاهانه، تمایل به همکاری و داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن بود. همچنین ملاک‌های خروج شامل عدم تمایل به ادامه همکاری و عدم تأهل بود.

برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، از سه پرسش‌نامه ما بودن، دل‌زدگی زناشویی و کیفیت زناشویی استفاده شد. برای بررسی روایی هم‌گرای پرسش‌نامه ما بودن (تاپکیو یوزر و همکاران، ۲۰۲۱)، از پرسش‌نامه کیفیت زناشویی (باسبی^{۲۵} و همکاران، ۱۹۹۵) و برای بررسی روایی واگرای پرسش‌نامه، از پرسش‌نامه دل‌زدگی زناشویی (پاینز^{۲۶}، ۱۹۹۶) استفاده شده است.

ابزار

پرسش‌نامه ما بودن^{۲۷}: مقیاس ما بودن تاپکیو یوزر و همکاران (۲۰۲۱) یک مقیاس خودگزارشی ۱۷ سؤالی است که ادراک زوجین را از جنبه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری بررسی می‌کند. این ابزار خودگزارشی تمام جنبه‌های مربوط به ما بودن زوجین را بررسی می‌کند. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه در یک مقیاس ۵ درجه‌ای در دامنه‌ای بین ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) می‌باشد. نمره کل در دامنه‌ای بین ۱۷ تا ۸۵ است که نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده ما بودن بیشتر در رابطه می‌باشد. مقدار آلفای کرونباخ این مقیاس توسط سازندگان آن (تاپکیو یوزر و همکاران، ۲۰۲۱) ۰/۹۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰/۹۵ است که نشان‌دهنده همسانی درونی بالایی گویه‌های این پرسش‌نامه است؛ همچنین برای سنجش روایی هم‌گرا از مقیاس کیفیت زناشویی تجدیدنظرشده و برای بررسی روایی واگرا از پرسش‌نامه دل‌زدگی زناشویی استفاده شده که نتایج به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۵۹- نشان داد پرسش‌نامه ما بودن از روایی ملاکی مطلوبی برخوردار است.

مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدیدنظرشده^{۲۸} (RDAS): این پرسش‌نامه توسط باسبی و همکاران (۱۹۹۵) ساخته شده است و ۱۴ سؤال دارد. فرم اصلی این مقیاس ۳۲ سؤال دارد که توسط اسپینر^{۲۹} (۱۹۷۶) و براساس نظریه لیوایز و اسپینر در مورد کیفیت زناشویی ساخته شده است. این پرسش‌نامه ۱۴ سؤالی به صورت طیف ۶ تایی از ۰ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود، طوری که پاسخ کاملاً موافق نمره ۵ و پاسخ کاملاً مخالف نمره ۰ می‌گیرد. این ابزار از سه خرده‌مقیاس ۱. هم‌فکری و توافق، ۲. رضایت، ۳. انسجام تشکیل شده است که در مجموع نمره کیفیت زناشویی را نشان می‌دهند و نمرات بالا نشان‌دهنده کیفیت زناشویی بالاتر است (هولیس، کودی و میلر^{۳۰}، ۲۰۰۵). پایایی این پرسش‌نامه به شیوه آلفای کرونباخ در مطالعه هولیس، کودی و میلر (۲۰۰۵) از ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ گزارش شده است. در ایران، در پژوهشی که توسط یوسفی (۱۳۹۰) انجام شد، آلفای کرونباخ پس از انجام تحلیل عاملی تأییدی، برای هر عامل محاسبه شد. مقدار آلفای کرونباخ برای عامل‌های توافق، رضایت و انسجام به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۳ و ۰/۸۶ و برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۲ به دست آمده است. در پژوهش حاضر، مقدار آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۱ و برای عامل‌های توافق، رضایت و انسجام به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۶ و ۰/۸۵ به دست آمده است.

مقیاس دل‌زدگی زناشویی^{۳۱}: یک ابزار خودسنجی است که توسط پاینز (۱۹۹۶) برای اندازه‌گیری درجه دل‌زدگی زناشویی در بین زوجین ساخته شد. این پرسش‌نامه شامل ۲۱ ماده است که ۱۷ ماده آن شامل عبارات منفی مانند خستگی، ناراحتی و ۴ ماده آن شامل عبارات مثبت مانند خوش‌حال بودن و پرنرژی

بودن است. نمره‌گذاری این مقیاس در یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) است. نمره‌گذاری ۴ ماده مثبت آن نیز به صورت معکوس انجام می‌شود. نمره بالاتر در این مقیاس نشانه دل‌زدگی زناشویی بیشتر است. پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ محاسبه شده است (پاینز، ۱۹۹۶). در پژوهش نادری و آزادمنش (۱۳۹۱) نیز از روش آلفای کرونباخ و دونیمه‌سازی به منظور سنجش پایایی این مقیاس استفاده شد که به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۹۰ محاسبه شده است. در پژوهش حاضر، مقدار آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰/۹۵ به دست آمد.

برای آماده‌سازی نسخه فارسی این پرسش‌نامه، ابتدا فرم انگلیسی پرسش‌نامه ما بودن توسط محققان ترجمه گردید. در مرحله بعد، به منظور اطمینان بیشتر در خصوص صحت ترجمه و حفظ هم‌ارزی زبانی و مفهومی، با روش ترجمه معکوس به انگلیسی برگردانده و سپس تفاوت موجود بین نسخه‌های انگلیسی و فارسی بررسی شد و اصلاحات لازم به عمل آمد. در نهایت نسخه نهایی مقیاس به چهار نفر از اساتید روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه ارائه شد و روایی صوری و محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت. در ادامه و پس از آماده‌شدن ابزار، جهت رفع اشکالات احتمالی در قابل فهم بودن پرسش‌نامه، به صورت مقدماتی بین ۳۰ نفر از زنان و مردان متأهل اجرا شد. نتایج مطالعه مقدماتی حاکی از این بود که این مقیاس از روایی مناسبی برخوردار است و ضریب پایایی آن ۰/۹۱ (برای مردان ۰/۹۲ و برای زنان ۰/۹۰) به دست آمد. بعد از آن، نسخه نهایی فارسی پرسش‌نامه اصلی اجرا شد.

برای بررسی ساختار عاملی و روایی سازه مقیاس ما بودن، از تحلیل عاملی تأییدی، برای بررسی پایایی از روش‌های بازآزمایی و بررسی همسانی درونی آلفای کرونباخ و برای بررسی روایی هم‌گرای پرسش‌نامه از پرسش‌نامه کیفیت زناشویی (باسی و همکاران، ۱۹۹۵) و برای بررسی روایی واگرایی پرسش‌نامه از پرسش‌نامه دل‌زدگی زناشویی (پاینز، ۱۹۹۶) استفاده شد. تحلیل داده‌های پژوهش در سطح آمار توصیفی و استنباطی، با استفاده از نرم‌افزار SPSS۲۴ و تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار Amos۲۴ انجام گرفت.

بیان یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های توصیفی از ۳۱۴ نفر که در پژوهش شرکت کرده بودند، ۱۵۰ نفر زن (۴۷/۷۷ درصد) و ۱۶۴ مرد (۵۲/۲۳ درصد) بودند که دامنه سنی زنان، از ۱۷ تا ۵۶ سال، با میانگین سنی ۲۹/۵۷ و انحراف استاندارد ۷/۴۹ به دست آمد و دامنه سنی مردان، از ۱۸ تا ۶۰ سال، با میانگین سنی ۳۳/۷۳ و انحراف استاندارد ۷/۲۳ به دست آمد. همچنین دامنه سنیکل شرکت‌کنندگان، از ۱۷ تا ۶۰ سال، با میانگین سنی ۳۱/۷۴ و انحراف استاندارد ۷/۶۹ به دست آمد.

در ابتدا پیش‌فرض‌های تحلیل عاملی در پژوهش حاضر بررسی شد و همه پیش‌فرض‌ها رعایت شد؛ از جمله اینکه داده‌های هر فرد در نمونه با داده‌های افراد دیگر مستقل باشد، داده‌ها دارای توزیع نرمال باشند و داده پرت و گمشده در مجموعه داده‌ها نباشد و حجم نمونه کافی باشد. در مورد رعایت پیش‌فرض حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی، مسئله مهم تعیین اندازه کمینه نمونه است. اندازه کمینه نمونه در تحلیل عاملی ۲۰۰ است

و همچنین تعداد ۱۰ یا ۲۰ نفر برای هر گویه در تحلیل عاملی کفایت می‌کند (کلین^{۳۲}، ۲۰۱۶). با توجه به تعداد آیتم‌های پرسش‌نامه (۱۷ گویه) حجم نمونه به تعداد ۳۱۴ نفر برای این مطالعه کفایت می‌کند. برای شناسایی داده‌های پرت، از شاخص چولگی و کشیدگی سؤالات استفاده شد. به این ترتیب که اگر چولگی خارج از محدوده (۳ و -۳) و کشیدگی خارج از محدوده (۵ و -۵) قرار داشت، داده‌ها به‌عنوان داده پرت شناسایی شده و از پژوهش کنار گذاشته شدند (کلین^{۳۳}، ۲۰۱۱). خوشبختانه هیچ‌یک از داده‌ها در خارج از بازه مذکور قرار نداشتند و هیچ داده پرتی در این پژوهش شناسایی نشد. از آنجایی که پرسش‌نامه‌ها به‌صورت آنلاین توزیع گردید و فرم پرسش‌نامه در صورت وجود سؤال پاسخ‌داده‌نشده ثبت نمی‌گردید، هیچ داده از دست‌رفته و گم‌شده‌ای نیز در سؤالات متغیر پژوهش مشاهده نشد. همچنین با توجه به نظر کلین (۲۰۱۱) برای تشخیص نرمال بودن توزیع داده‌ها، از شاخص‌های چولگی و کشیدگی استفاده می‌شود. به این صورت که برقراری حدود چولگی و کشیدگی سؤالات و شاخص‌ها، شرط لازم و بررسی چولگی و کشیدگی متغیرها و رعایت حدود آن، شرط کافی است. خوشبختانه کلیه ضرایب چولگی بین ۳- و ۳ و کلیه ضرایب کشیدگی بین ۵- و ۵ است (جدول ۱). بنابراین شرط لازم برای نرمال بودن توزیع داده‌ها وجود دارد.

جدول ۱. بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

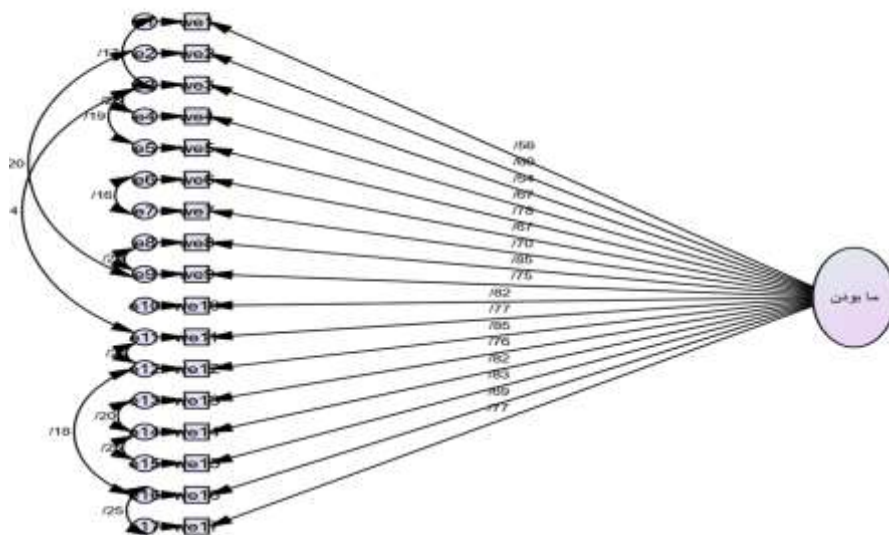
شماره سؤال	چولگی	کشیدگی
۱	-۰/۶۶	-۰/۲۲
۲	-۱/۷۶	۲/۸۰
۳	-۰/۴۵	-۰/۱۶
۴	-۰/۷۱	-۰/۱۱
۵	-۰/۶۹	-۰/۱۰
۶	-۱/۴۶	۱/۸۴
۷	-۰/۸۶	۰/۳۲
۸	-۰/۸۸	-۰/۱۵
۹	-۰/۷۸	-۰/۱۵
۱۰	-۰/۴۹	-۰/۶۸
۱۱	-۰/۶۲	-۰/۲۱
۱۲	-۰/۹۳	۰/۱۳
۱۳	-۰/۴۶	-۰/۷۷
۱۴	-۰/۶۶	-۰/۳۶
۱۵	-۰/۶۲	-۰/۵۰
۱۶	-۱/۶۶	۲/۳۱
۱۷	-۰/۶۰	-۰/۱۳

به‌منظور بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برای این منظور، از روش احتمال بیشینه استفاده شد. برای بررسی برازش مدل، مربع کای (خی دو) (χ^2)، شاخص نیکویی برازش (GFI)^{۳۴}، خطای جذر میانگین مربعات تقریب (RMSEA)^{۳۵}، شاخص برازش تطبیقی (CFI)^{۳۶}، شاخص برازش افزایشی (IFI)^{۳۷} و شاخص تاکر - لوئیس (TLI)^{۳۸} محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است. شاخص مجذور خی دو (X^2) به‌طور مفهومی نسبت به اندازه نمونه حساس است و تغییر می‌کند. در کل مقادیر مربع کای هنجار شده که کمتر از ۲ یا ۳ هستند، برای برازش مدل قابل قبول هستند (کلاین، ۲۰۱۶). مقادیر شاخص‌های IFI و TLI بزرگ‌تر از ۰/۹۰ نشان‌دهنده برازش خوب مدل هستند و برای شاخص RMSEA، مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ نشان‌دهنده برازش خوب مدل است (تاباچنیک و فیدل^{۳۹}، ۲۰۱۹). همچنین مقادیر قابل قبول GFI برای برازش مدل بالای ۰/۹۰ است (کلاین، ۲۰۱۶).

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل عاملی برای پرسش‌نامه ما بودن

RMSEA	GFI	IFI	TLI	CFI	CMIN/df
۰/۰۴	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۱/۵۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود و با توجه ارزش عددی شاخص‌های برازش (۱/۵۱) = CMIN/df، CFI=۰/۹۸، TLI=۰/۹۸، IFI=۰/۹۸؛ GFI=۰/۹۴؛ RMSEA = ۰/۰۴، می‌توان گفت که مدل از برازش بسیار خوبی برخوردار است. همان‌طور که در جدول ۳ و شکل ۱ مشاهده می‌شود، تمام بارهای عاملی گویه‌ها در کل نمونه بالاتر از ۰/۵۴ است که براساس نظر تاباچنیک و فیدل (۲۰۱۹) بارهای عاملی بالای ۰/۴ خوب است و اگر بار عاملی گویه‌ای پایین‌تر از ۰/۳۲ بوده باشد، باید آن گویه از پرسش‌نامه حذف شود؛ بنابراین نیازی به حذف هیچ گویه‌ای از پرسش‌نامه نیست.



شکل ۱. نمودار تحلیل عاملی تأییدی

جدول ۳. بارهای عاملی گویه‌های پرسش‌نامه‌ی ما بودن به تفکیک جنسیت و کل نمونه

ردیف	پرسش	زنان	مردان	کل
۱	ما به همه ویژگی‌های منحصر به فرد خودمان احترام می‌گذاریم و از آن حمایت می‌کنیم.	۰/۵۶	۰/۵۵	۰/۵۶
۲	اگر برای مدت طولانی مجبور به دوری از هم بشویم عمیقاً دل‌تنگ هم می‌شویم.	۰/۶۶	۰/۵۵	۰/۶۰
۳	ما درک مشترکی از دنیا داریم.	۰/۵۹	۰/۴۸	۰/۵۴
۴	هر دو از ارتباط باهم، به‌عنوان یک شخص، به یک میزان سود می‌بریم.	۰/۸۰	۰/۵۳	۰/۶۷
۵	ما از علایق هم به‌طور خالص آگاه هستیم و آن‌ها را نشان می‌دهیم و از دیدگاه، احساسات، آرزوها و برنامه‌های هم حمایت می‌کنیم.	۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۷۸
۶	وقتی یکی از ما دردی مثل سردرد دارد، دیگری هم به فکر چاره می‌افتد.	۰/۷۳	۰/۵۸	۰/۶۷
۷	گاهی وقت‌ها فقط با نگاه به هم می‌فهمیم که دیگری چه احساسی دارد.	۰/۷۶	۰/۶۳	۰/۷۰
۸	کلاً احساس می‌کنیم مکمل یکدیگریم.	۰/۸۸	۰/۸۱	۰/۸۵
۹	در مورد آینده روابطمان، اهداف مشترک داریم.	۰/۷۴	۰/۷۶	۰/۷۵
۱۰	علی‌رغم دغدغه‌های شخصی، باز هم برای هم وقت می‌گذاریم.	۰/۸۲	۰/۸۱	۰/۸۲
۱۱	وقتی موضوعات مهمی را در مورد افکار و احساساتمان در میان می‌گذاریم، به درک متقابل می‌رسیم.	۰/۸۰	۰/۷۳	۰/۷۷
۱۲	هر دو از ارتباط با هم به‌عنوان یک زوج سودمند می‌شویم.	۰/۸۸	۰/۸۰	۰/۸۵
۱۳	قادریم به هم کمک کنیم تا عواطف هم را تعدیل کنیم (مثلاً وقتی عصبانی هستیم، همسرم به من کمک می‌کند و بهتر می‌شوم).	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۷۶

ردیف	پرسش	زنان	مردان	کل
۱۴	برای هر دوی ما به‌عنوان یک زوج، وقت‌گذاشتن کافی برای هم مهم است.	۰/۸۶	۰/۷۶	۰/۸۲
۱۵	وقتی باهم هستیم، با جان و دل به هم توجه داریم.	۰/۸۲	۰/۸۴	۰/۸۳
۱۶	در لحظات سخت زندگی کنار هم می‌ایستیم.	۰/۷۳	۰/۶۵	۰/۶۹
۱۷	زمانی که موضوعات مهمی را در مورد افکار و احساسات در میان می‌گذاریم، هر دو آن‌ها را می‌پذیریم.	۰/۷۸	۰/۷۴	۰/۷۷

یکی از روش‌های اصلی بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی یک ابزار، به همسانی درونی آن مربوط است. همسانی درونی به میزان ارتباط ماده‌ها یا پرسش‌های تشکیل‌دهنده یک مقیاس اشاره دارد. به‌منظور بررسی همسانی درونی مقیاس پرسش‌نامه ما بودن، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد (جدول ۲). همچنین ضریب پایایی بازآزمایی، به‌فاصله یک ماه، برای پنجاه نفر از شرکت‌کنندگان اجرا شد که نتایج آن در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. ضرایب همسانی درونی (آلفای کرونباخ و بازآزمایی) پرسش‌نامه ما بودن

ضرایب همسانی درونی	کل نمونه	مردان	زنان
آلفای کرونباخ	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۹۶
بازآزمایی	۰/۶۸	۰/۶۱	۰/۷۶

نتایج جدول ۴ نشان داد همسانی درونی مقیاس ما بودن در کل نمونه پژوهش، به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ (برای مردان ۰/۹۴ و برای زنان ۰/۹۶) است و ضریب پایایی به روش بازآزمایی در پنجاه نفر از نمونه، پس از یک ماه ۰/۶۸ (برای مردان ۰/۶۱ و برای زنان ۰/۷۶) است. براساس ضرایب به‌دست‌آمده می‌توان گفت نسخه فارسی پرسش‌نامه ما بودن از ثبات درونی و پایایی مطلوبی در نمونه ایرانی برخوردار است. همچنین پس از محاسبه آلفای کرونباخ، تحلیل آیت‌ها صورت گرفت. نتایج تحلیل آیت‌ها نشان داد که تمامی آیت‌ها همبستگی مناسبی با نمره کل پرسش‌نامه داشتند؛ در نتیجه هیچ سؤالی در این مرحله حذف نشد. روایی هم‌گرا و واگرا، به‌عنوان جنبه دیگری از روایی سازه بررسی شد. روایی هم‌گرا از طریق محاسبه میزان همبستگی پیروسون، بین پرسش‌نامه ما بودن و مقیاس کیفیت زناشویی محاسبه شد. روایی واگرا نیز از طریق محاسبه میزان ضریب همبستگی منفی پیروسون، بین پرسش‌نامه‌های ما بودن و دل‌زدگی زناشویی محاسبه شد. نتایج در جدول ۵ ذکر شده است.

جدول ۵: ماتریس‌های ضریب همبستگی پیروسون بین مقیاس ما بودن با

پرسش‌نامه کیفیت زناشویی و دل‌زدگی زناشویی

مقیاس ما بودن	نمره کیفیت زناشویی	نمره کل دل‌زدگی زناشویی
	۰/۷۳	-۰/۵۹

مطابق با یافته‌های گزارش‌شده در جدول ۵، مشخص است روابط همبستگی بین ما بودن و کیفیت زناشویی ۰/۷۳ است که مثبت و معنی‌دار است ($p < ۰/۰۰۰۱$) که دلالت بر روایی هم‌گرای پرسش‌نامه ما بودن دارد. همچنین ضریب همبستگی نمره کل ما بودن و دل‌زدگی زناشویی -۰/۵۹ است که معکوس و معنی‌دار است ($p < ۰/۰۰۰۱$) که دلالت بر روایی واگرای پرسش‌نامه دارد. به‌بیان دیگر، نتایج جدول ۵ با تأکید بر همبستگی

مثبت و معنادار بین ما بودن و کیفیت زناشویی، و همبستگی منفی بین ما بودن و دل‌زدگی زناشویی نشان داد که این ابزار از روایی ملاکی مطلوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی اعتباریابی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه ما بودن در افراد متأهل ایرانی بود. به‌منظور بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. یافته‌های تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل از برازش بسیار خوبی برخوردار است و می‌تواند ابزاری مناسب جهت سنجش ما بودن زوجین باشد. این نتایج همسو با نتایج پژوهش سازندگان پرسش‌نامه ما بودن (تاپکیو یوزر و همکاران، ۲۰۲۱) است.

برای بررسی پایایی از روش‌های بازآزمایی و بررسی همسانی درونی آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشان داد نسخه فارسی پرسش‌نامه ما بودن از ثبات درونی و پایایی مطلوبی در نمونه ایرانی برخوردار است. برای بررسی روایی هم‌گرای از پرسش‌نامه کیفیت زناشویی (باسبی و همکاران، ۱۹۹۵) استفاده شد که نتایج نشان داد همبستگی مثبت و معنادار بین ما بودن و کیفیت زناشویی وجود دارد. این نتایج همسو با نتایج پژوهش تاپکیو یوزر و همکاران (۲۰۲۱) است. در تبیین این یافته با توجه به مبانی نظری و پژوهشی می‌توان گفت که هر دو پرسش‌نامه، کیفیت رابطه و همبستگی زوج‌ها را می‌سنجند و از طرفی با توجه به نتایج پژوهش‌ها ارتباطی قوی بین ما بودن و رضایت از رابطه و کیفیت زناشویی (آسیتلی، راجرز و کنی، ۱۹۹۹؛ آلیا، سینگر و لابنکو، ۲۰۱۵؛ استرانگ و همکاران، ۲۰۱۴) وجود دارد بنابراین چنین نتیجه‌ای قابل انتظار بود.

برای بررسی روایی واگرایی پرسش‌نامه ما بودن در پژوهش حاضر از پرسش‌نامه دل‌زدگی زناشویی (پاینز، ۱۹۹۶) استفاده شد که نتایج نشان داد همبستگی منفی بین پرسش‌نامه ما بودن و دل‌زدگی زناشویی وجود دارد که نشان می‌دهد این دو پرسش‌نامه دو خصیصه متفاوت را اندازه‌گیری می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که از آنجایی که ما آمیختگی دو من و پدید آمدن یک هویت رابطه‌ای است (مانزی^{۳۹} و همکاران، ۲۰۱۵) اما دل‌زدگی زناشویی حالتی از خستگی جسمی، ذهنی و عاطفی است که زوجین در رابطه خود تجربه می‌کنند (لیو^{۴۰} و همکاران، ۲۰۲۳) بنابراین مشاهده چنین نتیجه‌ای قابل انتظار بود.

بطور کلی مطالعه حاضر بیان می‌کند که پرسش‌نامه ما بودن می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مناسب برای ارزیابی اینکه چگونه افراد خود را به‌عنوان بخشی از یک واحد وابسته به هم (ما) می‌بینند به‌کار برود. از آنجایی که بررسی احساس ما بودن زوجین، مفهوم مهمی برای درک تعهد زناشویی (اگنیو و همکاران، ۱۹۹۸)، رضایت از رابطه و کیفیت زناشویی (آسیتلی، راجرز و کنی، ۱۹۹۹؛ آلیا، سینگر و لابنکو، ۲۰۱۵؛ استرانگ و همکاران، ۲۰۱۴) است، پرسش‌نامه ما بودن با ارائه یک ابزار چندبعدی و جامع یک شکاف قابل‌توجهی را در تحقیقات مربوط به روابط پر می‌کند که می‌تواند توسط پژوهشگران و درمانگران علاقه‌مند به این موضوعات مورد استفاده قرار گیرد. همچنین در جریان مراجعه زوجین مشکل‌دار، مشاوران و درمانگران برای سنجش احساس ما بودن زوجین که کمتر مورد توجه و عنایت بوده به کار ببرند.

علی‌رغم اینکه در این پژوهش با رعایت اصول پژوهش‌های تحلیل عاملی و تعداد افراد نمونه تلاش شده نتایج به‌دست‌آمده از تعمیم‌پذیری مطلوبی برخوردار شود، اما مانند هر اثر علمی دیگری با محدودیت‌هایی همراه بود:

یکی از محدودیت‌ها موضوع تعمیم‌پذیری است؛ از آنجایی که نمونه مورد استفاده در این پژوهش منحصر به استان سیستان و بلوچستان و از شیوه نمونه‌گیری در دسترس بوده است، در تعمیم‌پذیری نتایج باید احتیاط لازم صورت گیرد؛ یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که استفاده از ابزارهای خودگزارشی ممکن است موجب شده باشد شرکت‌کنندگان برای کسب تأیید اجتماعی و اجتناب از بدنامی پاسخ‌های خود را تحریف کرده باشند. پیشنهاد می‌شود برای افزایش تعمیم‌پذیری، در پژوهش‌های آینده، مطالعات دقیق‌تر و گسترده‌تر با حجم نمونه بیشتر در شهرهای مختلف و در جوامع و اقوام و فرهنگ‌های مختلف ایرانی اجرا گردد. همچنین جهت رفع محدودیت دوم پیشنهاد می‌گردد که جهت تأیید مقیاس‌های خودگزارش‌دهی از دیگر روش‌های سنجش مثل مصاحبه و مشاهده رفتاری و دیگر شاخص‌های بالینی استفاده شود.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|--|
| 1. Singer | 21. Bodenmann |
| 2. Topcu-Uzer , Randall, Vedes, Reid, & Bodenmann | 22. Randall, & Falconier |
| 3. Reid | 23. carrere |
| 4. Meier | 24. Kline |
| 5. Agnew | 25. Busby |
| 6. Badr | 26. Pines |
| 7. Han | 27. We-ness Questionnaire |
| 8. Galdiolo | 28. Revised Dyadic Adjustment Scale |
| 9. Rohrbaugh | 29. Spanier |
| 10. Ahmad | 30. Hollist., Cody. & Miller |
| 11. Gildersleeve | 31. Marital Burnout |
| 12. Singer, & Skerrett | 32. Kline |
| 13. Agnew | 33. goodness of fit index |
| 14. Alea, Singer., & Labunko | 34. Root Mean Square Error of Appr-oximation |
| 15. Strong | 35. comparative fit index |
| 16. Cruwys | 36. Incremental Fit Index |
| 17. Buehlman, Gottman & Katz | 37. Tucker. Lewis Index |
| 18. Topcu-Uzer | 38. Tabachnick, &., Fidell |
| 19. Vedes | 39. Manzi |
| 20. Acitelli., Rogers & Knee | 40. Liu |

EXTENDED ABSTRACT

Validation of We-ness Questionnaire for Iranian Married People

Introduction: As couples develop a close and intimate relationship, they will probably create a common identity (Reid et al, 2006). This experience of a common identity might improve the quality of romantic relationships and create a sense of “we-ness” among the couples (Meier et al, 2021). In this common identity, each spouse self-identifies beyond the individual and encompasses both their couple and the relationship as part of the self (Agnew et al, 1998). This coupled identity is very important for the wellbeing of the partner, especially when the couple is facing stressful situations (Badr et al, 2007) and beyond that it also contributes to the wellbeing of the children, extended family, and ultimately the society itself (Han, 2022), thus, it is vital to preserve it. It is even possible that the “we-ness” of a couple is strengthened at the face of stressful situations due to a mutual cooperation against them (Galdiolo et al, 2023; Rohrbaugh, 2021). A couple’s identity, embedded in each spouse, is consistent with the personal identity of each spouse and allows them to feel close to each other (Ahmad et al, 2017). Specifically, couples who had initially conceived themselves individually as separate “I”s, might develop a dependent “we” which reflects their understanding of the relationship (Topcu-Uzer et al, 2021). “We”, as the mutual investment of the spouses in each other and the relationship, is a powerful factor (Gildersleeve et al, 2017). We-ness is a major change from personal to interpersonal consciousness. This thinking requires mutual interaction and the ability to consider the point of view of another person (Singer & Skerrett, 2014; Skerrett, 2004).

In recent years, many researchers have defined and measured we-ness in couples (Cruwys et al, 2022), although some have given them different names, such as cognitive interdependence (Agnew et al, 1998), the experience of being we (Vedes et al, 2013), the story of us couples (Singer & Skerrett, 2014), couple identity (Acitelli, Rogers & Knee, 1999), mutual relationship (Singer et al, 2015), interdependence in stressful situation (Bodenmann, 2005; Bodenmann, Randall, & Falconier, 2016) or us as an emergency process (Reid & Ahmad, 2015; Reid et al, 2006). But each of these studies have focused on one specific aspect of we-ness or interdependence among couples. Topcu-Uzer et al (2021) believe that according to research literature, it is necessary to study all three aspects of we (cognitive, emotional, behavioral). One recent tool which measures all three was designed by Topcu-Uzer et al. The We-ness Scale of Topcu-Uzer et al is a self-reported 17 question questionnaire which measures the couples’ understanding in the three aforementioned dimensions. Considering the above, it is vital for researchers and psychologists focusing on the couples to develop a tool which studies all aspects of we-ness, due to the strong correlation between we-ness and relationship satisfaction (Strong et al, 2014). Thus the purpose of this

research is to introduce and examine different features of the aforementioned questionnaire and to determine whether it is valid and reliable enough to be used in Iran.

Methodology: The method of this research is descriptive and of the type of psychometric studies. The statistical population included all married people in Sistan and Baluchistan province, from which 314 people were selected by available sampling method. To collect data, three questionnaires of We-ness, Marital Boredom and Marital Quality were used. The English version of the We-ness Questionnaire was translated into Persian by the researchers. To examine the factorial structure and construct validity of our scale, we used confirmatory factor analysis, to examine the reliability of test-retest methods and to examine the internal consistency of Cronbach's alpha, and to examine the convergent validity of the Marital Quality Questionnaire (Busby et al., 1995) and to examine the divergent validity of the questionnaire Marital Boredom Questionnaire (Pines, 1996) was used.

Findings: In order to check the factorial structure of the questionnaire, confirmatory factor analysis was used. For this purpose, maximum likelihood method was used. To check the fit of the model, chi square (χ^2), Goodness of Fit Index (GFI), Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA), Comparative Fit Index (CFI), Incremental Fit Index (IFI) and Tucker-Lewis Index (TLI) were calculated. . According to the numerical value of the fit indices (CMIN/df=1.51; CFI=0.98; TLI=0.98; IFI=0.98; GFI=0.94; RMSEA=0.04) it can be said that the model has a very good fit. All factor loadings of the items in the whole sample are higher than 0.54, so there is no need to remove any item from the questionnaire. The internal consistency of the we-ness scale in the entire research sample is 0.95 by Cronbach's alpha method (0.94 for men and 0.96 for women), and the reliability coefficient is 0.68 (0.68) by the retest method in 50 people from the sample after one month. 0.61 for men and 0.76 for women). It was also found that the correlation between we-ness and marital quality is 0.73, which is positive and significant ($p<0.0001$), which indicates the convergent validity of the we-ness questionnaire. Also, the correlation coefficient of the total score of we-ness and marital boredom is -0.59, which is inverse and significant ($p<0.0001$), which indicates the divergent validity of the questionnaire.

Conclusion: The purpose of this study is the evaluation of the validity and reliability of the psychometric characteristics of the We-ness Questionnaire for married people in Iran. In order to check the factor structure of the questionnaire, confirmatory factor analysis was used. The findings of the confirmatory factor analysis showed that the model has a very good fit and can be a suitable tool to measure the we-ness of a couple. These findings are in line with the findings of the designers of the We-ness Questionnaire (Topcu-Uzer et al, 2021). Cronbach's alpha and test-retest methods were used to check the reliability, and the results showed that the Persian version of

the We-ness Questionnaire is internally stable and reliable when applied to the Iranian sample.

To examine the convergent validity, the Marital Quality Questionnaire (Busby et al., 1995) was used, and the results showed that there is a positive and significant correlation between we-ness and marital quality. These results are in line with the research of Topcu-Uzer et al (2021). In explaining this finding, according to the theoretical and research fundamentals, it can be said that both questionnaires measure the quality of the relationship and solidarity among couples, and the research also found that there is a strong relationship between we-ness and satisfaction with the relationship and marital quality. (Acetelli, Rogers and Kenny, 1999; Alia, Singer and Labenko, 2015; Strong et al., 2014). In order to check the divergent validity, the Marital Boredom Questionnaire (Pines, 1996) was used, and the results showed that there is a negative correlation between We-ness Questionnaire and Marital Boredom, which shows that these two questionnaires measure two different characteristics. This finding can be explained by the fact that “we” is a synthesis of two selves and a relational identity (Manzi et al, 2015) but marital boredom is a sense of physical, mental, and emotional fatigue that the couples experience vis a vi their relationship (Liu et al, 2023). Therefore such results were expected.

Like all scientific work, this research faced some limitations. One is a matter of generalization, as the sample was limited to Sistan and Balouchestan province and sampling was through available methodology, thus requiring caution in generalization. It is also possible that the self-report nature of the research might have led some to be dishonest in their responses due to the social desirability bias.

References

- Acitelli, L. K., Rogers, S., & Knee, C. R. (1999). The role of identity in the link between relationship thinking and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships, 16*(5), 591-618.
- Agnew, C. R., Van Lange, P. A., Rusbult, C. E., & Langston, C. A. (1998). Cognitive interdependence: Commitment and the mental representation of close relationships. *Journal of personality and social psychology, 74*(4), 939.
- Ahmad, S., Fergus, K., Shatokhina, K., & Gardner, S. (2017). The closer 'We' are, the stronger 'I' am: the impact of couple identity on cancer coping self-efficacy. *Journal of Behavioral Medicine, 40*, 403-413.
- Alea, N., Singer, J. A., & Labunko, B. (2015). "We-ness" in relationship-defining memories and marital satisfaction. *Couple resilience: Emerging perspectives, 163-177*.
- Badr, H., Acitelli, L. K., & Carmack Taylor, C. L. (2007). Does couple identity mediate the stress experienced by caregiving spouses?. *Psychology and Health, 22*(2), 211-229.
- Bodenmann, G. (2005). Dyadic coping and its significance for marital functioning.
- Bodenmann, G., Randall, A. K., & Falconier, M. K. (2016). Coping in couples: the systemic transactional model (STM). *Couples coping with stress: A cross-cultural perspective, 5-22*.
- Buehlman, K. T., Gottman, J. M., & Katz, L. F. (1992). How a couple views their past predicts their future: Predicting divorce from an oral history interview. *Journal of family psychology, 5*(3-4), 295.
- Busby, D. M., Crane, D. R., Larson, J. H., & Christensen, C. (1995). A revision of the Dyadic Adjustment Scale for use with distressed and non-distressed couples: Construct Hierarchy and multidimensional scale. *Journal of Marital and family therapy, 21*, 289-308
- Carrere, S., Buehlman, K. T., Gottman, J. M., Coan, J. A., & Ruckstuhl, L. (2000). Predicting marital stability and divorce in newlywed couples. *Journal of family psychology, 14*(1), 42.
- Cruwys, T., South, E. I., Halford, W. K., Murray, J. A., & Fladerer, M. P. (2023). Measuring "we-ness" in couple relationships: A social identity approach. *Family Process.*
- Galdiolo, S., Mauroy, A., & Verhofstadt, L. L. (2023). Couples' We-Ness and Separateness During the COVID-19 Pandemic and Lockdown: A Longitudinal Perspective. *Journal of Language and Social Psychology, 42*(3), 342-354.
- Gildersleeve, S., Singer, J. A., Skerrett, K., & Wein, S. (2017). Coding "We-ness" in couple's relationship stories: A method for assessing mutuality in couple therapy. *Psychotherapy research, 27*(3), 313-325.
- Han, Y. (2022). Strengthening we-ness in working with intercultural couples. *New Zealand Journal of Counselling, 42*(1).
- Kline, R. (2010). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*, 3rd edn Guilford Press. New York. USA.
- Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling* (4th ed.). Guilford Press.

- Liu, M., Li, L., Xiao, Y., Wang, X., Ye, B., Wang, X., & Geng, F. (2023). The psychological mechanism underlying neuroticism on divorce proneness: The chain mediating roles of negative partner support and couple burnout and the moderating role of economic level. *Journal of Affective Disorders*, 327, 279-284.
- Manzi, C., Parise, M., Iafrate, R., Sedikides, C., & Vignoles, V. L. (2015). Insofar as you can be part of me: The influence of intrusive parenting on young adult children's couple identity. *Self and Identity*, 14(5), 570-582.
- Manzi, C., Parise, M., Iafrate, R., Sedikides, C., & Vignoles, V. L. (2015). Insofar as you can be part of me: The influence of intrusive parenting on young adult children's couple identity. *Self and Identity*, 14(5), 570-582.
- Meier, T., Huber, Z., Dworakowski, O., Haase, C., Martin, M., & Horn, A. (2021). Shared Positivity in Daily Life of Younger and Older Couples: Links Between We-ness and Positive Emotions. *Innovation in Aging*, 5(Supplement_1), 559-559.
- Naderi, F., & Azadmanesh, P. (2012). COMPARISON OF COUPLE BURNOUT, FAMILY FUNCTIONING AND INTIMACY AMONG MEN AND WOMEN.. *New findings in psychology (social psychology)*, 7(22), 97-112. [In Persian]
- Pines, A. (1996). Malach. *Couple Burnout: Causes and Cures*.
- Rahmati, B., Farahbakhsh, K., Motamedi, A., Borjali, A. (2020). The pattern of “Weness” evolution in Successful couples based on grounded theory. *QJCR*, 19 (75): 252-289 [In Persian].
- Reid, D. W., Dalton, E. J., Laderoute, K., Doell, F. K., & Nguyen, T. (2006). Therapeutically induced changes in couple identity: The role of we-ness and interpersonal processing in relationship satisfaction. *Genetic, social, and general psychology monographs*, 132(3), 241-284.
- Rohrbaugh, M. J. (2021). Constructing we-ness: A communal coping intervention for couples facing chronic illness. *Family process*, 60(1), 17-31.
- Sarikaya, A., Alptekin, A., & Güler, M. (2023). Examination of the Relationship between Mothers' Couple Burnout and Children's Social Skills. *TOJET: The Turkish Online Journal of Educational Technology*, 22(2).
- Singer, J. A., & Skerrett, K. (2014). *Positive couple therapy: Using we-stories to enhance resilience*. London: Routledge.
- Singer, J. A., Labunko, B., Alea, N., & Baddeley, J. L. (2015). Mutuality and the marital engagement–type of union scale [me (to us)]: Empirical support for a clinical instrument in couples therapy. *Couple resilience: Emerging perspectives*, 123-137.
- Skerrett, K. (2004). Moving toward “we”. *How connections heal*, 128-151.
- Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family*, 15-28.
- Strong, T., Rogers-de Jong, M., & Merritt, S. (2014). Co-authoring “we-ness” and stories of intimacy. *Contemporary Family Therapy*, 36, 398-408.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2019). *Using Multivariate Statistics*, 7th Edition:
- Topcu-Uzer, C., Randall, A. K., Vedes, A. M., Reid, D., & Bodenmann, G. (2021). We-ness questionnaire: Development and validation. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 20(3), 256-278.
- Vedes, A., Bodenmann, G., Nussbeck, F. W., Randall, A., & Lind, W. (2013). The role of we-ness in mediating the association between dyadic coping and relationship satisfaction. *Manuscript submitted for publication*.